

از شعله ور کردن آتش جنگ خودداری کنید

جنگ برای اکثریت اهالی فاجعه آفرین و برای اقلیت لاشخوران جنگی ارمغان آور

ننگ و نفرت بر جنگ افروزان و جنایتکاران جنگی گسترده ترو مستحکمتر باد همبستگی اکثریت اهالی جامعه بمثابه قربانیان جنگ آمریکا-اسرائیل و ایران و جنگ چهل اندی ساله اقلیت در قدرت حکومت اسلامی در ایران

- ادامه اعتراضات کارگران شرکت نفت فلات قاره نسبت به عدم پاسخگویی به مطالبات با برپایی تجمع در منطقه عملیاتی خارک

- ادامه تجمعات اعتراضی کارگران ارکان ثالث منطقه ویژه اقتصادی پارس در عسلویه نسبت به عدم تبدیل وضعیت و سطح نازل حقوق و تبعیض در پرداختی ها با شعار «حقوق عادلانه حق مسلم ماست»

- ششمین روز تجمع اعتراضی جمعی از کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران نسبت به نداشتن امنیت شغلی و معیشتی و وعده های توخالی مدیران

- ادامه یکه تازی کارفرمایان و مدیران زیر سایه بی خیالی مصلحتی مسئولان؛ لگدمال کردن آشکار حقوق کارگران کارخانه خزرپلاستیک و اخراج کارگران حق طلب

- ادامه اعتراضات متقاضیان مسکن کشور نسبت به افزایش قیمت و عدم تحویل واحدها با برپایی تجمع متقاضیان مسکن ملی رشت مقابل استانداری گیلان

- تجمع اعتراضی تاکسیداران چابهار نسبت به قطع سهمیه سوخت مقابل ساختمان فرمانداری

- بیانیه‌ی اعتراضی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

در محکومیت بازداشت غیرقانونی نمایندگان صنفی

- بی خبری از سرنوشت شش کودک دانش آموز در کامیارن
- احضار چهار فعال حقوق زنان به ستاد خبری اطلاعات سپاه در آستانه سومین سالگرد قتل حکومتی ژینا-مهسا امینی
- مظهره گونه‌ای: هنوز پس از سه سال حتی از نام مهسا امینی هم می‌ترسند...
- شادباش به مناسبت آزادی نسرين جوادی و ناهید خداجو
- بازهم تصادف کارگران شهرداری حین کار؛ اینبار ضربه مغزی شدن یک کارگر شهرداری کوه‌دشت

***ادامه اعتراضات کارگران شرکت نفت فلات قاره نسبت به عدم پاسخگویی به مطالبات با برپایی تجمع در منطقه عملیاتی خارک**

روز چهارشنبه 26 شهریور، اعتراضات کارگران شرکت نفت فلات قاره نسبت به عدم پاسخگویی به مطالبات مبنی بر پرداخت کامل حقوق، حذف سقف بازنشستگی و پرداخت کامل سنوات، مرجوع نمودن مالیات های اخذ شده طبق قوانین موجود، اجرای کامل ماده قانون و اختیارات وزارت نفت و پرداخت کامل بک پی آن و استقلال صندوق بازنشستگی نفت، با برپایی تجمع در منطقه عملیاتی خارک ادامه پیدا کرد.



***ادامه تجمعات اعتراضی کارگران ارکان ثالث منطقه ویژه اقتصادی پارس در عملویه نسبت به عدم تبدیل وضعیت و سطح نازل حقوق و تبعیض در پرداختی ها با شعار «حقوق عادلانه حق مسلم ماست»**

روز چهارشنبه 26 شهریور، کارگران ارکان ثالث منطقه ویژه اقتصادی پارس با برپایی تجمع در عملویه و سردادن شعار «حقوق عادلانه حق مسلم ماست» به اعتراضشان نسبت به عدم تبدیل

وضعیت و سطح نازل حقوق و تبعیض در پرداختی ها ادامه دادند و خواهان همسان سازی حقوق و پرداخت حقوق برابرنسبت به کاریکسان و حذف شرکت های پیمانکاری و عقد قرارداد مستقیم شدند.



*ششمین روز تجمع اعتراضی جمعی از کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران نسبت به نداشتن امنیت شغلی و معیشتی و وعده های توخالی مدیران



امروز، بار دیگر کارگران شریف و مظلوم گروه ملی فولاد اهواز با عزمی راسخ و قلبی پر از خشم و درد، صدای عدالت‌خواهی خود را به گوش همه رساندند. نزدیک به دو ماه است که این کارگران جان‌برکف، در گرمای طاقت‌فرسای خوزستان و زیر فشار زندگی، حقوق معوقه‌ی خود را طلب می‌کنند، اما گوش شنوایی در میان مدیران و مسئولان پیدا نمی‌شود.

وقتی کارگر، با دست‌های پینه‌بسته‌اش، ناچار می‌شود خیابان را سنگر حق‌طلبی کند، دیگر جایی برای مدیران بی‌مسئولیت باقی نمی‌ماند. آن‌ها که زیر کولرهای خنک و پشت میزهای سلطنتی لم داده‌اند، باید بدانند کارگرانی که کارخانه را زنده نگه داشته‌اند، دیگر حاضر نیستند قربانی بی‌کفایتی و بی‌عدالتی شوند.

این اعتراض نه تنها فریاد نان است، که فریاد عزت و شرافت است. امروز کارگران نشان دادند که کرامت انسانی را نمی‌توان به سخره گرفت و خون کارگر را نمی‌توان نادیده گرفت. اگر قرار باشد روز شنبه تجمعی اعتراضی در جنب استانداری خوزستان شکل گیرد، باید مدیرانی که با حقوق‌های نجومی جیب خود را پر کرده‌اند، در صف اول بایستند؛ چرا که این بار کارگر قرار نیست زیر بار بی‌عدالتی بماند و مدیر با وقاحت بر صندلی نرم و خنک تکیه زند.

این حرکت پرشور، درسی برای همه‌ی مسئولان است: کارگر اگر به خیابان بیاید، یعنی همه‌ی درهای امید بسته شده است. شما حق ندارید کارگری را به این نقطه برسانید. اعتراض امروز کارگران گروه ملی فولاد اهواز نه یک انتخاب، که یک ضرورت بود؛ ضرورتی برای حفظ جان، نان و کرامت.

کارگران فولاد اهواز بارها ثابت کرده‌اند که چراغ این صنعت عظیم نه به لطف مدیران بی‌تدبیر، بلکه به یمن صبر، خون دل و ایستادگی خود روشن مانده است. امروز باید با افتخار گفت: این حرکت اعتراضی، نقطه‌ی اوج شجاعت و غیرت کارگری است.

صدای کارگران فولاد، فریاد یک ملت است؛ و هر که گوشش بدهکار نباشد، در برابر تاریخ و مردم پاسخگو خواهد بود.

***ادامه یک‌ه تازی کارفرمایان و مدیران زیر سایه بی‌خیالی مصلحتی مسئولان؛ لگدمال کردن آشکار حقوق کارگران کارخانه خزرپلاستیک و اخراج کارگران حق طلب**

یکی از کارگران خزر پلاستیک می‌گوید: «ما اینجا نان را به قیمت جان به دست می‌آوریم...» سفره‌ی کارگران خزر پلاستیک کوچک است. آن‌ها حداقل‌بگیر هستند و دریافتی‌شان با اضافه کار حتی نمی‌تواند حداقلی‌ترین نیازهای اساسی خانواده را تأمین کند.

طی چند ماه گذشته برخی از کارگران کارخانه خزرپلاستیک به دلیل پیگیری حداقلی‌ترین حقوق خود از کار اخراج شده‌اند. «خزر پلاستیک» یکی از شرکت‌های مهم تولیدکننده‌ی لوازم جانبی یک برند ایرانی است؛ شرکتی که به گفته‌ی کارگرانش پرسود و پُرسابقه است، آن‌چنان که مدیران آن، به پدر صنعت گیلان شهرت پیدا کرده‌اند. آن‌طور که کارگران می‌گویند، تحریم‌ها، فروش محصولات این برند ایرانی را بهتر کرده و کارخانه روز به روز رونق بیشتری گرفته است؛ سهم کارگران اما از این سود و رونق، همان حداقل حقوق ناچیز، مقداری ارزاق ماهانه و کار در یک فضای ناایمن و پر سروصدا و مواجهه‌ی مدام با دود سنگین پلاستیک مذاب و انواع و اقسام مواد سرطان‌زا است.

پیشتر در سال 1401 گزارشی از آمار بالای حوادث کار در این شرکت نوشتیم. در آن زمان یک لیست 45 نفره از کارگران حادثه‌دیده‌ی کارخانه به دست ما رسیده بود. لیستی موثق، که طبق گزارشات تأمین اجتماعی تنظیم شده بود. کارگران می‌گفتند: «شرایط کار در کارخانه مناسب نیست، آلودگی زیاد است و تیغی که با آن کار می‌کنیم دست‌ساز و غیراستاندارد است و هر لحظه امکان وقوع حادثه وجود دارد.»

حالا بعد از سه سال برخی از کارگران این کارخانه دوباره با ما تماس گرفته‌اند تا از تداوم وضعیت نامطلوب خود بگویند: اخراج نمایندگان کارگری، مخالفت با فعالیت واقعی شورای اسلامی کار، عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و باز هم آمار بالای حوادث کار! آن‌ها می‌گویند: «در بدترین شرایط با حقوق ناچیز کار می‌کنیم، حادثه می‌بینیم، مریض می‌شویم و اگر اعتراض کنیم اخراج می‌شویم.»

یکی از کارگران، کارخانه را این‌گونه توصیف می‌کند: «ما در سوله‌ای با 60 دستگاه تزریق کار می‌کنیم. هر دستگاه شش المنت دارد که حرارتش به 300 درجه می‌رسد. دود پلاستیک مذاب باعث سوزش چشم و مشکلات تنفسی شده، صدا هم آن‌قدر بالاست که روی شنوایی خیلی از کارگران تأثیر گذاشته است. ما حتی از داشتن یک گوشی حفاظتی محرومیم!»

کارگران معتقدند کار در «خزرپلاستیک» سخت و زیان‌آور است اما بازرسان با سخت و زیان‌آوری همه‌ی بخش‌های کارخانه موافقت نکرده‌اند. کارگری می‌گوید: «زمانی بابت سختی کار شکایت کردیم

و قرار شد بازرس بیاید و محیط کار ما را ببیند. آن زمان شرکت 6 ماه به صورت نمادین اصول ایمنی را رعایت کرد و به ما تجهیزات کار مناسب داد. حتی روزهایی که قرار بود بازرس بیاید برخی از دستگاه‌ها را از کارخانه خارج و فعالیت برخی دیگر از دستگاه‌ها را قطع می‌کردند!»

کارگران کارخانه، بسته به سابقه‌ی خود و با احتساب اضافه کار، میانگین رقمی بین 18 تا 23 میلیون تومان حقوق ماهانه دریافت می‌کنند که این رقم برای کار در فضایی با میزان بالای حوادث کار و آلودگی شدید بسیار ناچیز است.

بریدگی‌های شدید، قطع انگشت، سرخوردگی و سوختگی با روغن، از موارد شایع حوادث کار در «خزر پلاستیک» است. حوادثی که گاهی کارگران را خانه‌نشین می‌کند و گاهی نیز برای همیشه از کارافتاده. آنطور که منابع خبری می‌گویند طی کمتر از یک سال، دست کم 4 کارگر آسیب شدید دیده‌اند.

روی دست بسیاری از کارگران کارخانه آثار بریدگی است و این بریدگی ناشی از کار با یک کاتر تیز و بلند، دست‌ساز و غیراستاندارد است. این کاتر وسیله‌ی اصلی کار کارگران است و سالهاست که به غیراستاندارد بودن آن معترض هستند. کارگران می‌گویند: «خانم! حتما در مورد کاتر بنویسید...» کاتری که قرار بود جای خود را به یک وسیله‌ی استاندارد بدهد همچنان یکی از مهم‌ترین وسایل کار کارگران است و همچنان قربانی می‌گیرد.

یکی از کارگران می‌گوید: «ما اینجا نان را به قیمت جان به دست می‌آوریم...» سفره‌ی کارگران خزر پلاستیک کوچک است. آن‌ها حداقل‌بگیر هستند و دریافتی‌شان با اضافه کار حتی نمی‌تواند حداقلی‌ترین نیازهای اساسی خانواده را تأمین کند. به همین دلیل کارگران خزر پلاستیک سال‌هاست که به دنبال اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل هستند. آن‌ها می‌گویند: «با وجود رأی دادگاه و الزام وزارت کار، کارفرما زیر بار اجرای طبقه‌بندی نمی‌رود و دریافتی ما مانند یک کارگر ساده است.»

کارگران، اجرای این طرح را بهترین راه افزایش متناسب حقوق خود می‌دانند. یکی از آن‌ها می‌گوید: «اگر طرح طبقه‌بندی مشاغل اجرا نشود و بازنشسته شویم، مستمری‌مان از چیزی که امروز می‌گیریم هم ناچیزتر می‌شود. یک بازنشسته خزر پلاستیک برای سی سال سابقه کار در محیطی سخت و احتمالا با آسیب‌های جسمی بسیار، باید حقوق پایه دریافت کند. کجای این انصاف است؟!»

اعتراض به این وضعیت و بیان مطالبات کارگری در کارخانه‌ی خزر پلاستیک ظاهراً عاقبت خوشی ندارد. منابع خبری ما از اخراج برخی از کارگران خبر داده‌اند. یکی از کارگران می‌گوید: «کوچکترین اعتراض منجر به اخراج می‌شود؛ حتی نمایندگان کارگری هم در صورت پافشاری بر حقوق کارگران در امان نمی‌مانند و طی سال‌های گذشته برخی از آن‌ها با وجود سابقه‌ی کار بالا اخراج شده‌اند.»

قراردادهای موقت، دست کارفرمایان را برای هر گونه رفتار با کارگران باز گذاشته است. کارگران با قراردادهای چند ماهه در صورت خواست کارفرما به راحتی کنار گذاشته می‌شوند و حتی اگر در شرف بازنشستگی باشند، باز هم هیچ مرجع قانونی نمی‌تواند از آن‌ها دفاع کند.

ترس از اخراج احتمالا بهترین راه برای ساکت نگه داشتن کارگران است. این بی‌قدرتی ساختاری، کارگران را در کارخانه منزوی نگه می‌دارد؛ آنچنان که برای حفظ سفره‌ی کوچک خود مجبورند به هر شرایط کاری تن دهند و شکایت نکنند. کارگران حتی نمی‌توانند برای بررسی شرایط سخت و زیان‌آوری کار خود اقدام کنند؛ آن‌ها تهدید شده‌اند که در صورت اقدام برای بازنشستگی سخت و زیان‌آور از کار بیکار خواهند شد.

صدای اعتراض کارگران خاموش است چون هیچ چیز در کارخانه به اندازه‌ی سود کارفرما اهمیت ندارد. نیروی کار به عنوان مهم‌ترین عامل تولید یا به همه‌ی شرایط تن می‌دهد و یا از کارخانه اخراج می‌شود. این وضعیت زمانی سخت‌تر و دردناک‌تر می‌شود که به اسم حمایت از تولید، تمام مسیرهای قانونی، رسمی و غیر رسمی حمایت از کارگران مسدود می‌شود. کارگران سفره‌ی کوچکی را به بهای جان عزیزشان پُر می‌کنند و نصیب‌شان از سود و رونق در یک کارخانه‌ی تولیدات داخلی، آنقدر ناچیز است که حتی زندگی حداقلی‌شان هم لنگ مانده است.

بخشی از یک گزارش رسانه ای شده بتاريخ 26 شهریور

***ادامه اعتراضات متقاضیان مسکن کشور نسبت به افزایش قیمت و عدم تحویل واحدها با برپایی تجمع متقاضیان مسکن ملی رشت مقابل استانداری گیلان**

روز سه شنبه 25 شهریور، اعتراضات متقاضیان مسکن کشور نسبت به افزایش قیمت و عدم تحویل واحدها با برپایی تجمع متقاضیان مسکن ملی رشت مقابل استانداری گیلان، ادامه پیدا کرد.

***تجمع اعتراضی تاکسیداران چابهار نسبت به قطع سهمیه سوخت مقابل ساختمان فرمانداری**

روز چهارشنبه 26 شهریور، تاکسیداران چابهار برای اعتراض به قطع سهمیه سوخت با به صف کردن خودروهایشان مقابل ساختمان فرمانداری این شهرستان در استان سیستان و بلوچستان تجمع کردند.

رانندگان تاکسی با بیان این‌که قطع شدن سهمیه سوخت موجب اختلال جدی در فعالیت روزانه آن‌ها شده است، خواستار پیگیری فوری مسئولان و تأمین سهمیه لازم شدن اضافه کردند: ادامه این وضعیت مشکلات معیشتی آنان را تشدید کرده و بر خدمات حمل‌ونقل شهری نیز تأثیر منفی گذاشته است.



***بیانیه‌ی اعتراضی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران**

در محکومیت بازداشت غیرقانونی نمایندگان صنفی

روز سه‌شنبه ۲۵ شهریور ۱۴۰۴، در نخستین روز برگزاری مجمع فوق‌العاده شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در شهرضا، نیروهای امنیتی با یورش به محل برگزاری این مجمع، ۱۸ تن از نمایندگان و فعالان صنفی فرهنگیان را بازداشت کردند.

این اقدام سرکوبگرانه در حالی صورت گرفت که مجمع مزبور صرفاً با هدف اصلاح اساسنامه و بحث در حوزه‌ی صنفی معلمان کشور برگزار می‌شد.

بازداشت چندین‌ساعته‌ی نمایندگان صنفی، ضبط وسایل شخصی و ادامه‌ی بازداشت مسعود فرهیخته که پیش‌تر نیز به حکم ناعادلانه سه سال و شش ماه و یکروز زندان محکوم شده بود، نقض آشکار حقوق بنیادین شهروندی و اصل بدیهی فعالیت صنفی مستقل است.

هر چند که طبق گزارش‌ها، سایر بازداشت‌شدگان پس از حدود ۸ ساعت بازجویی آزاد شدند، اما آزادی آنان چیزی از غیرقانونی بودن اصل این اقدام نمی‌کاهد.

شورای هماهنگی این اقدام غیرقانونی را به شدت محکوم کرده و اعلام می‌دارد:

۱. یورش به مجمع صنفی فرهنگیان حمله به حق تشکلیابی مستقل است؛ حتی که در قانون اساسی و منشورهای بین‌المللی صراحتاً به رسمیت شناخته شده است.

۲. بازداشت نمایندگان صنفی نه تنها مسئله‌ی شخصی آنان نیست، بلکه تعرضی مستقیم به کرامت و حقوق میلیون‌ها معلم و بازنشسته‌ای است که این نمایندگان، صدای آنان هستند.

۳. ادامه‌ی بازداشت مسعود فرهیخته و تهدید به اجرای حکم ناعادلانه‌ی او، تلاشی آشکار برای ایجاد رعب و خاموش کردن صدای حق‌خواهی است.

ما تأکید می‌کنیم:

-تمامی فعالان صنفی باید امکان فعالیت آزادانه و بی‌دغدغه داشته باشند.

-وسایل شخصی و الکترونیکی ضبط‌شده باید فوری و بدون شرط بازگردانده شوند.

-فشار و پیگرد فعالان صنفی باید متوقف شود.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران با صدای بلند اعلام می‌کند که سرکوب، تهدید و زندان هرگز نمی‌تواند اراده‌ی معلمان برای دستیابی به حقوق انسانی، شغلی و اجتماعی‌شان را درهم بشکند. راه ما روشن است: اتحاد، ایستادگی و پافشاری بر حق تشکلیابی مستقل و آزادی فعالیت صنفی.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران

۲۶ شهریور ۱۴۰۴

اسامی بازداشت‌شدگان:

۱. عبدالله رضایی

۲. محمد حبیبی

۳. آرام محمدی

۴. حمید رحمتی

۵. منوچهر آقابییگی

۶. رسول بذاقی

۷. محمود صدیقی پور

۸. علی صفری

۹. خان‌عزیز اسماعیلی

۱۰. اصغر حاجب

۱۱. محمدحسن مصدقیان

۱۲. اسماعیل فرهنگ‌منش

۱۳. شکرالله احمدی

۱۴. ایرج رهنما

۱۵. عبدالرضا امانی‌فر

۱۶. فرامرز خداشناس

۱۷. مسعود فرهیخته

۱۸. علی فلاح

***بی‌خبری از سرنوشت شش کودک دانش‌آموز در کامیارن**

با گذشت یک هفته پس از بازداشت کاوان صبوری، اوراز زمانی، بهروز رشیدی، سوران مظفری، پیام حسینی و احسان صبوری، همگی دانش‌آموز و اهل کامیاران، خانواده‌های آنان همچنان در بی‌خبری کامل به‌سر می‌برند. نبود اطلاع از محل نگهداری و وضعیت این شش نوجوان نگرانی‌های جدی ایجاد کرده است

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران بازداشت و بی‌خبری از سرنوشت شش دانش‌آموز کامیارانی را محکوم کرده و آن را نقض آشکار حقوق کودک و نمونه‌ای دیگر از سرکوب سازمان‌یافته می‌داند. شورا خواستار آزادی فوری این دانش‌آموزان است.

***احضار چهار فعال حقوق زنان به ستاد خبری اطلاعات سپاه در آستانه سومین سالگرد قتل حکومتی ژینا-مهسا امینی**

روز سه‌شنبه ۲۵ شهریور ۱۴۰۴ همزمان با سومین سالگرد ژینا-مهسا امینی، چهار فعال حقوق زنان با نام‌های «سیمین چایچی»، «فاطمه زندکریمی»، «مرضیه مرادویسی» و «سوسن رازانی» به ستاد خبری اطلاعات سپاه سنندج احضار و هدف بازجویی و فشار برای تعهد کتبی قرار گرفتند.

فاطمه زندکریمی (فعال صنفی معلمان): بارها از ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۴ به اداره اطلاعات و دادگاه سنندج احضار و با اتهاماتی چون اجتماع و تبانی، تبلیغ علیه نظام و اخلال در نظم عمومی مواجه شده.

سوسن رازانی: دو بار در آبان ۱۴۰۱ بازداشت، چندین بار در ۱۴۰۲ و ۱۴۰۴ به ستاد خبری و دادگاه انقلاب سنندج احضار و محاکمه شد.

سیمین چایچی (شاعر و فعال زنان): در اسفند ۹۷ و ۱۶ اسفند ۱۴۰۳ به دلیل فعالیت‌های مرتبط با روز جهانی زن احضار و بازجویی شد.

مرضیه مرادویسی (فعال مدنی و زنان): در اردیبهشت ۱۴۰۰ بازداشت، در دادگاه انقلاب به اتهام اقدام علیه امنیت ملی محاکمه و نهایتاً در شهریور ۱۴۰۱ به پنج ماه حبس تعزیری و چهار سال حبس تعلیقی محکوم و برای اجرای حکم زندانی شد.

منبع: کانال ندای زنان ایران

***مطهره گونه‌ای: هنوز پس از سه سال حتی از نام مهسا امینی هم می‌ترسند...**

روز چهارشنبه 26 شهریور، مطهره گونه‌ای فعال دانشجویی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت:

هنوز پس از سه سال حتی از نام مهسا امینی هم می‌ترسند...

از سوی اطلاعات سپاه امشب با پرایوت نامبر با بنده تماس گرفتند و مرا صرفاً به دلیل پاسداشت یاد مهسا متهم به فراخواندن مردم به خیابان و همکاری با اسرائیل کردند!

تهدیدم کردند که برخورد قضایی خواهند کرد.

***شادباش به مناسبت آزادی نسرين جوادی و ناهید خداجو**

با نهایت خوشحالی و احترام، آزادی دو تن از فعالان جنبش کارگری، خانم‌ها نسرين جوادی و ناهید خداجو را پس از تحمل حبس ناعادلانه، به ایشان و خانواده‌های گرامی‌شان تبریک می‌گوییم.

به امید روزی که هیچ فعال کارگری و مدنی به دلیل حق‌طلبی و دفاع از حقوق انسانی در بند نباشد. تمامی فعالان کارگری، معلمان، بازنشستگان، و فعالان سیاسی باید بی‌قید و شرط از زندان آزاد شوند.

چاره کارگران و زحمتکشان وحدت و تشکیلات است.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۲۶ شهریور ۱۴۰۴

***بازهم تصادف کارگران شهرداری حین کار؛ اینبار ضربه مغزی شدن یک کارگر شهرداری کوه‌دشت**

یک کارگر پاکبان شهرداری کوه‌دشت بنام صفی‌مراد یوسف‌زاده حین کار در میدان کشاورز این شهر بر اثر برخورد موتورسیکلت با وی دچار ضربه مغزی شد و هم‌اکنون در بیمارستانی در خرم‌آباد تحت مراقبت‌های ویژه قرار دارد.

akhbarkargari2468@gmail.com